

گزارش

گذار نظم کهن به نظم جدید از گذرگاه جنگ اوکراین



سیدمحمدحسینی

سفیرسابق جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی

بزرگ‌ترین حمله هوایی روسیه از آغاز جنگ اوکراین، شنبه‌شب با حمله به ساختمان اصلی کابینه دولت اوکراین در کی‌یف انجام شد. ساختمانی که محل استقرار کابینه دولت و دفتر وزرای آن است. طی یک سال گذشته ترامپ به نقش‌آفرینی در کش‌دادن جنگ اوکراین نقش اصلی را بر عهده داشت، تلاش بی‌وقفه‌ای را برای آتش‌بس و توافق میان اوکراین و روسیه آغاز کرده که تاکنون به سد خواسته‌های حداکثری پوتین برخورد کرده است. آمریکا مطالباتش را از جنگ اوکراین کاهش و روسیه افزایش داده است اما هنوز نشانه‌ای از یک آتش‌بس جدید میان روسیه و اوکراین دیده نمی‌شود. جنگ اوکراین از پنجم اسفند ۱۴۰۰ آغاز شد و به موضوعی پیچیده، با نقش‌آفرینی بازیگران متعدد، پرابهام و مملو از عدم قطعیت تبدیل شده است.
مروزی به ۵۲ ماه گذشته یعنی از آغاز جنگ تاکنون دو سؤال بزرگ را پیش‌روی تحلیلگران روابط بین‌الملل قرار می‌دهد.
۱- در عصری که جنگ‌ها کوتاه و زمان‌بندی‌شده، برنامه‌ریزی می‌شوند، چرا جنگ اوکراین به جنگی فرسایشی تبدیل شده است؟

۲- در حالی که روسیه تصور می‌کرد ظرف دو هفته جنگ را به اتمام می‌رساند و برای جنگی کوتاه برنامه‌ریزی کرده بود، حالا چرا پس از گذشت ۵۲ ماه حاضر به آتش‌بس نیست؟

در پاسخ به سؤال اول باید گفت که جنگ اوکراین یکی از مؤلفه‌های اصلی تشدید بلوک‌بندی در نظام بین‌الملل و گذار از نظم کهن به نظم جدید بین‌المللی شده است. آمریکا، اروپا، روسیه و چین بازیگران اصلی شکل‌دهنده به بلوک‌بندی جدید و باالمنل نظم آتی بین‌المللی هستند و نتیجه جنگ اوکراین در پیکربندی نظم آتی بسیار تعیین‌کننده خواهد بود. «استفان والت، نظریه‌پرداز «رتالیسم تدافعی»، جنگ اوکراین را پایانی بر نظم تک‌قطبی با محوریت آمریکا دانسته است. والت با انتشار یادداشتی در سال ۲۰۲۲ در نشریه «فارن‌پالیسی» استدلال کرده بود این جنگ پایان دوران تک‌قطبی آمریکا را نمایان می‌کند و جهان را به وضعیتی برمی‌گرداند که به بهترین وجه توسط رتالیسم توضیح داده می‌شود. «والت» در آن مقاله نوشته بود: «نتیجه جنگ اوکراین هرچه باشد، بسیاری از ناظران بر این باورند که جنگ تأثیر عمیقی بر شرایط گسترده‌تر سیاست جهانی خواهد داشت. یک دوره‌ای بزرگ در مسیر جاده. اگر روسیه شکست بزرگی متحمل شود، «نظم جهانی لیبرال» جان تازه‌ای پیدا می‌کند و نیروهای روسیه شکست بزرگی را متحمل می‌شوند. با پیروزی احتمالی روسیه، هنجارهای جهانی علیه تصاحب قلمرو با زور تضعیف خواهد شد و احتمالا سایرین این اختیار را خواهند داشت که هر زمان که اوضاع ژئوپلیتیک به نفع آنها همسو شود، کمپین‌های مشابهی را راه اندازی کنند. علاوه بر این، من (والت) ماجرا را به‌دقت دیگری نیز می‌بینم. جنگ در اوکراین یک رویداد مهم است، اما نه به این دلیل که نتیجه آن فقط تأثیر مستقل چشمگیری بر توازن جهانی قدرت یا محیط هنجاری‌ای که دولت‌ها ساخته‌اند خواهد داشت؛ بلکه از این بابت مهم است که نشان‌دهنده پایان لحظه تک‌قطبی است که طی آن ایالات متحده تنها ابرقدرت واقعی جهان بود. لحظه تک‌قطبی هرگز برای همیشه دوام نمی‌آورد، اما اشتباهات فاحشی که هیچ‌کس هرگز نسبت بدان پاسخ‌گو نیست موجب مرگ زودرس آن شده است. از سوی دیگر آنچه در مورد جنگ کنونی متفاوت است این است که برای اولین بار از اوایل دهه ۱۹۹۰ اما نه برای اولین بار در تاریخ، قدرت‌های بزرگ رقیب در دو طرف یک جنگ بزرگ وجود دارند. این بازگشت به الگوهای آشنای درگیری‌های قدرت‌های بزرگ (و جنگ‌ها نیایی) است و نه چیزی جدید یا منحصر‌به‌فرد.»

تا پیش از جنگ اوکراین نظریه‌پردازان رتالیسم بر این باور بودند که آمریکا برای مهار قدرت چین باید یک ائتلاف در منطقه آسیا تشکیل دهد و حتی با روسیه نیز در زمینه مهار قدرت چین همکاری کند اما جنگ اوکراین این تلاش را بر هم زد.
اولا از تمرکز آمریکا بر شرق آسیا به عنوان نقطه کانونی تنش بین واشنگتن و پکن جلوگیری کرد و ثانيا روسیه را به طور کلی از اردوگاه غرب جدا و به چین نزدیک کرد.
چین سیاستی هوشمندانه در قبال جنگ اوکراین اتخاذ کرد و بر دوستی پیش از جنگ خود با روسیه وفادار ماند تا از آن برای افول اجتناب‌ناپذیر نظام تک‌قطبی آمریکا بهره‌برداری کند، تعمیق روابط با روسیه پس از جنگ اوکراین هم‌زمان با عدم مشارکت در جنگ اوکراین در چارچوب مهندسی بلوک‌بندی نظام بین‌الملل توسط چین انجام شده است.
رؤیای چین ایجاد یک جایگزین برای نظم جهانی غربی لیبرال است که در آن چین سهم قابل توجهی داشته باشد و به مثابه یک قدرت نوظهور به یک قطب در نظام بین‌الملل تبدیل شود. «شی‌چین پینگ» و «پوتین» می‌خواهند دنیا به محدوده‌های زیر نفوذ چند کشور بزرگ تقسیم شود، چین شرق آسیا را در اختیار بگیرد، روسیه حق پوتینی بر امنیت کل اروپا داشته باشد، آمریکا هم می‌تواند به خانه خود در غرب اروپا و حیات خلوت خود در فرآآلاتنیک بازگردد.

پاسخ به سؤال نخست، پاسخ به سؤال دوم را نیز سهل می‌کند. روسیه ناخواسته وارد جنگ فرسایشی شد که برای آن برنامه‌ریزی نکرده بود. از نتایج این جنگ فرسایشی، کاهش نفوذ روسیه در سایر مناطق از جمله در قفقاز و خاورمیانه بود. نتیجه آن هم سقوط حکومت بنشار اسد، افزایش نفوذ رقیبایی نظیر ترکیه و اسرائیل در خلا قدرتی بود که توسط روسیه در مدیترانه ایجاد شده بود.
ایضا نفوذ آمریکا و ترکیه در قفقاز که در قرارداد احداث دالان زنگزور متجلی شد، از نتایج کاهش نفوذ روسیه در قفقاز بود. اما مهم‌ترین هزینه روسیه اعمال تحریم‌های سازمان‌یافته بلوک غرب علیه روسیه بود که سهم روسیه را در شبکه تجارت جهانی به‌شدت کاهش داده و این کشور را با بحران‌های اقتصادی مواجه کرده است؛ بحران‌هایی که به شکلی فزاینده ادامه دارد.
حالا «منطق بقا» در ساختار آنتارشیک نظام بین‌الملل و دوران گذار نظم کهن به نظم جدید به پوتین حکم می‌کند تا از اهرم‌های موجود امنیتی و سیاسی خود در نظام بین‌الملل کمال بهره را ببرد. تنها آوردگاه روسیه برای حفظ جایگاه جهانی و چانه‌زنی با غرب، «جنگ با اوکراین» است. اقتصاد روسیه از شوک اولیه تحریم‌ها خارج شده و در حال سازگاری با تحریم‌هاست. برخی از کارشناسان معتقدند اقتصاد روسیه با تحریم‌ها کرده است.

از سوی دیگر اهرم‌های چانه‌زنی روسیه در مدیترانه و قفقاز محدود شده و میدان استراتژیک مدیترانه و قفقاز را تا حدود زیادی به رقیبا واگذار کرده است. جنگ اوکراین آخرین جبهه پوتین برای سهم‌خواهی از نظم آتی بین‌المللی و حضور در بلوک‌بندی قدرت‌های بزرگ است.



گفت‌وگو با حسین علایی درباره تحولات سرنوشت‌ساز دو هفتهٔ منتهی به بازگشت تحریم‌های شورای امنیت

بیم تحریم، امید توافق

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ در شرایط فعلی، فضای دیپلماتیک درباره برنامه هسته‌ای ایران به نقطه‌ای رسیده که هر تصمیم کوچک می‌تواند آثار بسیار بزرگی به دنبال داشته باشد. تنها دو هفته تا موعد تعیین‌شده برای بازگشت احتمالی قطع‌نامه‌های شورای امنیت باقی مانده و این بازه زمانی حساس، تحت تأثیر چند تحول مهم قرار دارد که مجموعه‌ای از امید و بیم را در کنار هم شکل داده‌اند. توافق اخیر میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به میزبانی قاهره نشانه‌ای از تمایل تهران برای حفظ همکاری‌های پادمانی تلقی می‌شود، هرچند هنوز بسیاری از جزئیات آن در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و روشن نیست تا چه حد بتواند نگرانی‌های غرب را درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران رفع کند. در مقابل، بیانیه چهارجانبه آمریکا و تروینکای اروپایی در نشست شورای حکام با لحنی هشداردهنده، ایران را به بازگشت فوری به تعهداتش فراخواند و تهدید کرد در صورت عدم همکاری، همه تحریم‌های لغوشده در قالب برجام دوباره اعمال خواهند شد. این هم‌زمانی پیام، یک دوگانگی آشکار میان امید به حل‌وفصل مسالمت‌آمیز و بیم از تقابل دیپلماتیک را برجسته می‌کند. در بهترین سناریوی ممکن، اگر تهران در هفته‌های پیش‌رو گام‌های ملموس و سریع در زمینه شفاف‌سازی هسته‌ای بردارد و اجازه دسترسی‌های گسترده‌تر به بازرسان آژانس را بدهد، ممکن است تروینکا و آمریکا با تمدید مهلت ماشه برای شش ماه دیگر موافقت کنند تا فرصتی برای گفت‌وگوهای جامع‌تر فراهم شود. این رویکرد، هم به حفظ کانال‌های دیپلماسی کمک می‌کند و هم ضامن آن بازگشت فوری قطع‌نامه‌های شورای امنیت خواهد شد، مضم آنکه از تشدید تنش در منطقه جلوگیری می‌کند. با این حال، تحقق این سناریوی خوش‌بینانه به چند عامل بستگی دارد؛ نخست، سرعت و میزان همکاری ایران با آژانس؛ دوم، اراده سیاسی تروینکا برای پرهیز از مواجهه حداکثری؛ و سوم، نقش‌آفرینی قدرت‌هایی مانند روسیه و چین که می‌توانند موازنه تصمیم‌گیری در شورای امنیت را تغییر دهند. در سناریوی بدبینانه، اگر تهران به دلیل فشارهای داخلی یا ملاحظات امنیتی حاضر به انجام تعهدات اضافی نشود و غرب نیز بر بازگشت تحریم‌ها پافشاری کند، مکانیسم ماشه فعال خواهد شد و همه قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های شورای امنیت دوباره برقرار می‌شوند؛ وضعیتی که نه‌تنها اقتصاد ایران را تحت فشار مضاعف قرار می‌دهد، بلکه به آذعان ناظران، فضای دیپلماسی را نیز به‌شدت محدود خواهد کرد. یک سناریوی میانه نیز وجود دارد که براساس آن، نه تمدید کامل صورت می‌گیرد و نه بازگشت فوری تحریم‌ها، بلکه یک دوره زمانی کوتاه برای ادامه مذاکره در نظر گرفته می‌شود. بااین‌همه وزن فعلی تحولات نشان می‌دهد که احتمال سناریوی دوم بیش از ۵۰ درصد است، زیرا غربی‌ها برای گرفتن تضمین‌های عملی هستند و ایران نیز به دلایل مختلف در ارائه سریع این تضمین‌ها تعلل داشته است. بنابراین می‌توان گفت اگرچه روزنه‌ای برای تمدید مهلت ماشه وجود دارد، اما کوچک و شکننده است و هرگونه تأخیر یا فرصت‌سوزی می‌تواند این پنجره را برای همیشه ببندد و در نهایت همه طرف‌ها وارد مرحله‌ای هزینه‌زا شوند. به این منظور و در راستای واکاوی عمیق‌تر روندهای پیش‌رو در دو هفته منتهی به بازگشت احتمالی تحریم‌های شورای امنیت، گفت‌وگویی با حسین علایی، نخستین فرمانده نیروی دریایی سپاه، انجام داده‌ایم تا دریچه نگاه او به ارزیابی فرصت‌ها و گزینه‌های پیش‌روی تهران و غرب بپردازیم. در ادامه مصاحبه، همچنین سناریوهای مرتبط با احتمال تجاوز مجدد اسرائیل با این تحلیلگر ارشد حوزه نظامی هم به بوته بحث و بررسی رفته است که حاصل این گفت‌وگوی تفصیلی را در ادامه خواهید خواند.

●●●

با توجه به مجموعه معادلات سیاسی و دیپلماتیک طی دو هفته مانده به بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت طبق زمان‌بندی و ضرب‌الاجل تروینکا، ما با یک بازه زمانی به‌شدت حساس مواجهیم. اما هفته گذشته از یک سو شاهد توافق تهران و آژانس به میزبانی قاهره بودیم و درسوی دیگر بیانیه چهارجانبه ترویکا و آمریکا در جریان نشست فصلی شورای حکام صادر شد که تلاقی بیم و امید را شکل داده است. حال حضرت‌عالی در این دو تلاقی بیم و امید دیپلماتیک چه برآوردی دارید؟ آیا در این دو هفته امید نگاه خوش‌بینانه‌ای داشته باشیم و در بهترین سناریو شاهد تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه خواهیم بود یا نهایتاً قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های شورای امنیت بازخواهند گشت؟

مهم‌ترین هدف آمریکا و اروپا از به‌کارگیری سازوکار ماشه آن است که با توسل به بهانه‌های مختلف، دوباره تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را فعال کنند. البته با توافق انجام‌شده در قاهره امیدواری به تمدید شش‌ماهه افزایش یافته است که درواقع یک راه‌حل اساسی نیست. باید توجه داشت که کشورهای ۵+۱ از طریق توافق برجام می‌خواستند توانایی‌های هسته‌ای ایران را محدود کنند و اجازه توسعه ظرفیت هسته‌ای صلح‌آمیز به ایران را ندهند. اما خروج ترامپ از برجام و بی‌عملی اروپا در قبال آمریکا موجب شد تا قدرت علمی و صنعتی هسته‌ای



صلح‌آمیز در ایران افزایش یابد. درحال‌حاضر هدف سه کشور اروپایی از مذاکرات درواقع آن است که نگذارند تا مهلت قانونی برجام به صورت طبیعی تمام شود و در نتیجه تحریم‌های تعلیق‌شده شورای امنیت سازمان برای همیشه منتفی شوند و ایران تبدیل به یک کشور عادی در نظام بین‌الملل شود. آمریکا و سه کشور اروپایی حسن‌نیت ندارند و به دنبال آن هستند تا با تعلیق شش‌ماهه، همچنان شمشیر تحریم‌های سازمان ملل را بالای سر ایران نگه دارند تا بتوانند به هدف مهم خود به منظور تضعیف ایران دست یابند.

تاکنون روایت‌های مختلفی از توافق قاهره بین تهران و آژانس مطرح شده است. اما با توجه به فضای امنیتی بعد از تجاوز ۱۲روزه اسرائیل، همکاری‌ها با آژانس چگونه باید تعریف شود؟ آیا در شرایط کنونی باید اجازه دسترسی به اماکن مورد حمله را داد؟ چگونه تضمین امنیتی برای افشانشدن اطلاعات مربوط به اماکن هسته‌ای گرفته خواهد شد؟ آیا اصلا چنین تضمینی وجود دارد؟

ایران به منظور جلوگیری از بازگشت تحریم‌های سازمان ملل مجبور به پذیرش میناجیگری مصر و انجام توافق قاهره شده است. این در حالی است که مدیر کل آژانس بدترین رفتار را با ایران داشته و با ارائه گزارش منفی خود، زمینه را برای ناگهانی اسرائیل به ایران فراهم کرد. البته سابقه فعالیت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ارتباط با ایران نشان داده که این سازمان همواره تلاش کرده است تا خلا‌های اطلاعاتی آمریکا، اسرائیل و اروپا را از برنامه هسته‌ای ایران پر کند.

بنابراین فرض این باید بر این باشد که اصولا افراد اعزامی آژانس به ایران برای تکمیل اطلاعات خود از توانمندی‌های هسته‌ای ایران در راستای ارائه گزارش وضعیت به آمریکا و اسرائیل فعالیت می‌کنند. آنها به دنبال آن هستند تا به طور رسمی و آزادانه اطلاعات مورد نیاز قدرت‌های هسته‌ای جهان را جمع‌آوری کرده و برآوردی از نتایج حملات آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران را در اختیار آنها بگذارند، تا آنها به نقاط قوت و ضعف خود به صورت عینی‌تر پی ببرند. بنابراین هیچ‌گونه تضمین امنیتی برای افشانشدن اطلاعات مربوط به اماکن هسته‌ای ایران وجود ندارد.

اگر در یک سناریوی بدبینانه نهایتاً بازگشت قطع‌نامه‌ها و تحریم‌های شورای امنیت رخ دهد، آیا معادلات دیپلماتیک پس از آن به معنای زمینه‌سازی در راستای جنگ دوباره اسرائیل به ایران خواهد بود؟

رفتار تهاجمی اسرائیل نشان داده است که هرگاه نتایج‌هاو در خود توانایی نظامی در راستای انجام یک عملیات را ببیند، در حمله درنگ نمی‌کند و منتظر گزارش آژانس نمی‌ماند. البته آمریکا به دنبال آن است تا از ظرفیت سه کشور اروپایی برای بازگشت قطع‌نامه‌های سازمان ملل علیه ایران استفاده کند. این سه کشور اروپایی هم به دنبال آن هستند از ظرفیت‌های برجام حداکثر استفاده را علیه ایران ببرند. آنها که خود عملا به برجام عمل نکردند، ایران را متهم به نقض مفاد برجام می‌کنند تا بتوانند شرایط تحریم‌ها علیه ایران را حفظ کنند و حتی آنها را شدت بخشند. اسرائیل و آمریکا هم تاکنون نشان داده‌اند که برای آغاز جنگ، حتی معطل ایجاد زمینه و پیداکردن بهانه هم نمی‌مانند. آنها هرگاه احساس‌های شوری امنیت، گفت‌وگویی با حسین علایی، برسند، از شروع آن ابایی ندارند. البته طبیعی است که بازگشت تحریم‌های سازمان ملل زمینه مناسبی را برای آمریکا و اسرائیل در راستای تشویق به جنگ دوباره ایجاد خواهد کرد. براساس این است که ایران با استقبال از مذاکرات و روی‌آوردن به دیپلماسی، به دنبال ناکام‌گذاشتن جنگ‌طلبان برای یافتن بهانه در راستای تجاوز جدید است.

پس باید پرسید که آیا سمت‌وسوی تحولات، جنگ دوباره را اجتناب‌ناپذیر می‌کند یا حضرت‌عالی مانند طیفی از ناظران معتقدید که دیگر جنگ دوباره رخ نخواهد داد؟

الان آمریکا و اسرائیل هیچ بهانه‌ای برای آغاز جنگ دوباره ندارند. بسیاری از ناظران هم میدواردند اسرائیل و آمریکا از جنگ ۱۲روزه عبرت گرفته باشند و جنگ جدیدی با ایران را شروع نکنند. مشخص است که آنها به هدف فروپاشی ساختار حکومت در ایران در جریان جنگ تحمیلی خود نرسیدند، زیرا مردم ایران به‌صورت یکپارچه علیه متجاوزان ایستادند و به‌خوبی مقاومت کردند و نفرت خود علیه جنگ اسرائیل و آمریکا را با شیوه‌های مختلف نشان دادند. الان میزان نفرت ایرانیان از اسرائیل و آمریکا بسیار بیشتر از قبل از جنگ شده است. اگر آمریکا و اسرائیل به واکنش جدی نظامی ایران در برابر جنگ دوباره آنان، اطمینان داشته باشند که حتما این‌گونه است، بعید است که دوباره دست به یک تجاوز جدید بزنند، زیرا آنان معتقدند با تحمل جنگ ۱۲روزه، فعالیت‌های هسته‌ای در ایران متوقف شده است، بنابراین برای دلی شروع جنگ مجدد وجود ندارد، زیرا درحال‌حاضر هیچ‌گونه غنی‌سازی در ایران انجام نمی‌شود. البته تجربه نشان داده است که اگر آمریکا و اسرائیل به شکاف اجتماعی در داخل ایران امیدوار شوند، ممکن است دوباره دست به شروع جنگ بزنند، ولی ارزیابی همه تحلیلگران آن است که مردم ایران در



گفت‌وگو با حسین علایی درباره تحولات سرنوشت‌ساز دو هفتهٔ منتهی به بازگشت تحریم‌های شورای امنیت

بیم تحریم، امید توافق

برابر تجاوز بیگانه، از کشور خود با تمام قوا دفاع می‌کنند و اجازه دخالت به آمریکا و اسرائیل برای تعیین سرنوشت ایرانیان را نمی‌دهند.

آیا از نظر شما در این دو هفته ابتکار عملی می‌تواند این گسل هسته‌ای بین دو طرف تهران و غرب را کاهش دهد و به یک راه‌حل مرضی‌الطرفین دست پیدا کند؟

سفر احتمالی رئیس‌جمهور محترم به نیویورک برای شرکت در اجلاس سالانه سازمان ملل، فرصت بسیار مناسبی برای گفت‌وگوهای مستقیم با آمریکاست. اگر ترامپ بخواهد تنش با ایران را کاهش دهد باید از این فرصت محدود استفاده کند و دست از خصومت با ایرانیان بردارد و مسیر گفت‌وگو با ایران را در پیش بگیرد.

از سوی دیگر سه کشور اروپایی سه خواسته از ایران داشته‌اند که ایران به آنها تا حد زیادی پاسخ سازنده داده است. ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای ازسرگیری حضور بازرسان در ایران، توافق کرده است. همچنین ایران برای شروع مذاکرات با آمریکا نیز اعلام آمادگی کرده است، گرچه آمریکا از آن استقبالی نکرده است. در هر صورت به نظر می‌رسد که متأسفانه سه کشور اروپایی حداکثر به دنبال تعویق شش‌ماهه اسنپ‌بک هستند که طبیعتا ردی را دوا نخواهد کرد. راه‌حل اساسی آن است که همه طرف‌ها به‌ویژه آمریکا به برجام بازگردند و تحریم‌ها علیه ایران به‌طور کامل برداشته شود تا راه برای تعامل ایران و غرب باز شود. **اشاره داشتید که اسرائیل معطل معادلات دیپلماتیک و بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت برای کلیدزدن حمله مجدد به ایران نمی‌ماند. حال باید پرسید که با توجه به تجاوز اخیر اسرائیل به دوحه و عملیات‌های مشابهی که در یمن، لبنان و سوریه شکل گرفت، این گزاره به ذهن متبادر می‌شود که اسرائیل برای تداوم و تکرار تجاوزات دیگر هیچ خطوط قرمزی را برای خود متصور نیست. اکنون معادلات امنیتی منطقه وارد چه دوره‌ای شده است؟**

با حمله اسرائیل به قطر، توجه دنیا به شرارت‌های رژیم صهیونیستی حتی علیه کشورهای دوست خود بیشتر جلب و مشخص شد که هیچ کشوری از جنگ‌های خونین اسرائیل در امان نیست. باید توجه داشت که اصولا تشکیل اسرائیل در خاورمیانه برای توسعه نانمی و بی‌ثباتی بوده است. اسرائیل در طول حیات تکلیف خود تا کنون به کشورهای فلسطین، مصر، اردن، سوریه، لبنان، عراق، یمن، ایران، قطر و نیز به فلسطینیان در سایر کشورهای دنیا به طور مرتب حمله کرده است. حمله اسرائیل به قطر نشان داد که اسرائیل حتی از حمله به کشورهای هم‌پیمان با آمریکا هم ابایی ندارد و ضمانت‌های امنیتی آمریکا، موجب خودداری اسرائیل از حمله به آن کشورها نمی‌شود. از سوی دیگر بمباران قطر توسط اسرائیل نشان داد که تهدید و دشمن اصلی و اول کشورهای عربی، همچنان رژیم صهیونیستی است و برای مقابله با آن باید چاره‌اندیشی کنند. متأسفانه بیشتر سامانه‌های پدافند هوایی کشورهای عربی منطقه در کنترل آمریکاست و فضای آن کشورها برای عبور جنگنده‌های اسرائیلی امن است. طبیعی است که پس از حمله اسرائیل به قطر، این کشورها به فکر چاره‌اندیشی برای کنترل آسمان خود بیفتند تا اسرائیل با خیال راحت بتواند هواپیماهای نظامی خود در آسمان آنها به پرواز درآورد. بنابراین می‌توان گفت که پیمان ابراهیم اجراننشده، منقضی شده است و بی‌ثباتی تمام منطقه را فراگرفته و چشم‌انداز ختم جنگ در فلسطین با ابهام مواجه شده است.

با سه شرط اروپایی‌ها اشاره داشتید. با توجه به مجموعه‌ای از مواضع مقامات داخلی و همچنین غربی‌ها، به نظر می‌رسد اکنون آلمان، فرانسه، انگلستان و آمریکایی‌ها شروط خود را محدود به هسته‌ای و غنی‌سازی صفر نمی‌کنند، بلکه بین خطوط گفته می‌شود که موضوع موشکی و منطقه‌ای هم جز، شروط اصلی هرگونه توافق برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌هاست. ضمن اینکه ژان نونل بارو از یک توافق جامع با ایران سخن گفته است. برای غرب واقعاً دیگر برجام هسته‌ای معنا دارد؟

متأسفانه آمریکا و سه کشور اروپایی به دنبال تضعیف دائمی ایران از طریق ازبین‌بردن توانایی‌های علمی و صنعتی ایران در حوزه‌های هسته‌ای و موشکی و ظرفیت‌های منطقه‌ای هستند و برای تحقق امیال اسرائیل گام برمی‌دارند. منظور آنها از توافق جامع با ایران در واقع خلع سلاح ایران به منظور بازگذاشتن دست اسرائیل برای سلطه بر منطقه است. آنها حسن نیت ندارند و تاکنون توافق‌های قبلی خود را نیز زیر پا گذاشته‌اند. آنها در توافق برجام، غنی‌سازی ۳.۶۷ درصد در ایران را پذیرفته‌اند، ولی حالا زیر آن زده‌اند و به دنبال دیدگاه ترامپ رفته‌اند. آنها قرار بود تحریم‌ها علیه ایران را بردارند، ولی متأسفانه همچنان و هر روز بر تحریم‌های قبلی خود علیه ایران می‌افزایند. البته مشخص است که سه کشور اروپایی از خود اختیار چندانی ندارند، بلکه مجری خواسته‌های آمریکا علیه ایران هستند. بنابراین بهتر است ایران به‌جای مذاکره با آنان، با آمریکا به تفاهم برسد که تصمیم‌گیرنده اصلی در موضوع برجام است و اختیار برداشتن تحریم‌ها را نیز دارد.

خبر

حضور خاتمی و کروبی در یک مراسم ختم



حجت‌الاسلام محمد خاتمی و حجت‌الاسلام مهدی کروبی با شرکت در مجالس ترحیم مرحوم جماعتی از اعضای بیت حضرت امام(ره) خیرساز شدند. به گزارش ایسنا، صبح شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۴، پیکر مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی جماعتی (ره)، از اعضای باسابقه دفتر امام خمینی (س)، با حضور چهره‌های سیاسی و مذهبی در حسینیه جماران تشییع شد. در این مراسم، نماز میت بر پیکر آن مرحوم توسط حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی اقامه و پیکر آن مرحوم برای خاکسپاری به حرم مطهر امام خمینی منتقل شد. این اولین حضور سید محمد خاتمی در یک مراسم پس از مرخص شدن از بیمارستان بود. رئیس‌جمهور پیشین کشورمان که چندی پیش به دلیل عارضه قلبی در بیمارستان بستری شده بود؛ در مراسم تشییع و اقامه نماز بر پیکر مرحوم محمدعلی جماعتی (ره) در حسینیه جماران حضور پیدا کرد. دیروز نیز حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی کروبی در مراسم ختم حجت‌الاسلام والمسلمین جماعتی (ره)، شرکت کرد. این اولین حضور حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی کروبی، پس از رفع حصر در یک مراسم عمومی بود.

محسنى ازهاى: جلسه سران قوا مخصوص مقولات اضطرارى و استثنائى است

رئيس قوه قضائيه با بيان اينكه وقتى درباره مقوله‌اى قانون وجود دارد، نبايد انتظار داشت آن مسئله در جلسه سران قوا يا «شوراى عالى هماهنگى اقتصادى سران قوا» طرح شود، گفت: جلسه سران قوا مخصوص مقولاتى اضطرارى و استثنائى است كه يا درخصوص آنها قانون وجود ندارد يا عمل به قانون در قبال آنها، سبب تاخير در اجراى يك امر خطرير و مهم مى‌شود. حجت‌الاسلام محسنى‌ازهاى در ديدار با اعضاى شوراى رقابت، ضمن اشاره به وظايف و اختيارات قانونى اين شورا، اظهار كرد: شوراى رقابت يك نهاد فراقواهاى است كه ضد انحصار در بازار است و از جريان رقابت در بازار حمايت مى‌كند تا حقوق مردمى كه مصرف‌كننده محصولات هستند، تضمين شود؛ اين وظيفه شوراى رقابت و اختياراتى كه به تبع آن وجود دارد، بسيار پراهميت است. وي با تاكيد بر اينكه بايد بدون‌تبعيض و با هر بخش انحصارزا برخورد شود، بيان كرد، در مواردى انحصار از طرف بخش خصوصى ايجاد مى‌شود و در مواردى، آن كه انحصار مى‌كند، بخش حاكميتى است؟ در اين مواقع، چنانچه شما براى انحصارشكنى به سراغ بخش خصوصى برويد، چون زورتان مى‌رسد، اما از انحصارشكنى آن بخش دولتى و حاكميتى صرف‌نظر كنيد، آنگاه كار شما بركت نخواهد داشت و اين خودش به‌منزله يك تبعيض آشكار است؛ فلذا شما بايد با هر انحصارى در بازار مقابله كنيد، خواه از طرف بخش حاكميتى باشد و خواه از طرف بخش خصوصى. رئيس قوه قضائيه در ادامه با اشاره به اهميت تبئين‌گرى پيرامون نقش و كارکرد شوراى رقابت براى عموم مردم و مسئولان، تصريح كرد: شما اعضاى شوراى رقابت بايد وظايف و اختيارات و كاركردهاى خود را براى عموم مسئولان و مردم تبئين و تشريح كنيد؛ اين امر، بسيار مقوله مهمى است؛ مسئولان نيز بايد با دايره اختيارات و وظايف شما آشنا شوند؛ اين نكته را از آن جهت متذكر شدم كه بعضا مسأله مى‌شود برخى مسئولان، قوانين را نگاه هم نمى‌كنند مگر در مواردى كه قوانينى له يا عليه اقدامات آنها باشد.